

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله:

**اصلاح الگوی مصرف در پرتو فرهنگ ساده زیستی
(با تأکید بر آموزه های دینی و قرآنی)**

نویسندگان:

۱. دکتر محمد حسین مردانی نوکنده-دکترای فلسفه ۰۹۱۱۳۷۰۱۲۳۵
۲. دکتر قاسمعلی کابلی-دکترای کلام اسلامی ۰۹۱۱۱۷۷۰۳۱۷
۳. دکتر غلامحسن مبینی-دکترای علوم سیاسی ۰۹۱۱۱۵۸۵۶۱۰

چکیده :

اعتدال در مصرف و ساده زیستی، راه میانه ای است که اسراف، تبذیر، بخل و امساک را نفی می کند و اسلام از آن حمایت کرده است. استفاده از روزی خدا و به مصرف رساندن مال پاکیزه و حلال، حق طبیعی همه افراد است. اما غرق شدن در تجملات و زرق و برق زندگانی مادی راه بی انتهایی است که اضطراب، دلهره، نگرانی و ... از دستاوردهای آن به شمار می روند. نوشتار حاضر نشان می دهد که اصلاح الگوی مصرف در پرتو ساده زیستی تحقق عینی می یابد.

طرح مسأله : امروزه یکی از مشکلات جوامع، معلول نادیده گرفتن اقتصاد و میانه روی در مصرف مال و عدم توازن هزینه و درآمد است. کسانی که از درآمد کمی برخوردارند، با قناعت می توانند با سربلندی و عزت نفس به حیات خود ادامه دهند و افراد متمکن نیز با صرفه جویی، می توانند بر مواسات و رسیدگی به وضع محرومان توفیق یابند. در حقیقت مسأله اصلی در این نوشتار تحلیلی ترویج فرهنگ ساده زیستی از نگاه آموزه های دینی است که نتیجه آن اصلاح الگوی مصرف در جامعه می باشد.

هدف : تأمین انتظارات رهبری و ولی امر مسلمین (مدظله العالی) جهت اصلاح الگوی مصرف در عرصه های گوناگون زندگانی، خصوصاً در جامعه اسلامی ایران، برای عزم ملی جهت تحقق آرمان های انقلاب، در زمینه پرهیز از اسراف، تجمل گرایی و اشرافی گری می باشد.

روش : این مقاله براساس تحقیق و جستجوی کتابخانه ای از منابعی همچون قرآن کریم، نهج البلاغه، بحارالانوار، اصول کافی و ... اتخاذ شده، ضمن آن که محوریت منابع قرآن کریم بوده است. همچنین تلاش شده است با نگاهی تحلیلی به موضوع پرداخته شود، به گونه ای که مخاطبان را جذب نموده و تأثیرات مثبتی در آنان به وجود آورد.

یافته ها و نتایج : مصرف درست و ساده زیستی، یک نوع سرمایه است. با توجه به زندگی محدود و نیازهای گوناگون بشر باید انسان برای نیازهای ماندگار خود سرمایه گذاری کند. در سیر الی الله که هدف نهایی، خلقت انسان است، بهترین زاد و توشه، سبک بالی است، چرا که وابستگی انسان را از طی طریق باز می دارد. نتیجتاً آن که فرهنگ ساده زیستی، آرامش، تعالی و تکامل را برای همگان به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی : اصلاح الگوی مصرف، ساده زیستی، اعتدال و آرامش.

مقدمه :

یکی از موضوعاتی که در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان تأثیر به سزایی دارد، اصلاح الگوی مصرف در پرتو ساده زیستی و قناعت است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است، در حالی که از نظر فرهنگ دینی، یکی از ارزش های متعالی به حساب می آید.

اصلاح الگوی مصرف و ساده زیستی، پاسخ انسان های دانا به زندگی ناپایدار دنیاست که در پرتو آن، آرامش درون و برون حاصل می شود. بنابراین، ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف با نوع شناخت انسان و نگرش او به زندگی دنیا مرتبط است.

در عصر حاضر، دو نگاه افراطی و تفریطی به بهره مندی از مواهب الهی و مادیات دیده می شود. عده ای در مادیات دنیا غوطه ور شده و اسیر زرق و برق و تجملات آن گردیده اند و برخی مانند راهبان مسیحی و صوفیان مزور، تارک دنیا شده و از جهان ماده یا به کلی بی خبرند و یا می خواهند با زندگی زاهدانه، افکار مردم را به خود جلب کنند.

رشد فزاینده عوامل قدرت و ثروت و ترویج مصرف گرایی در عصر حاضر، خطر روی آوردن به زندگی تجملاتی و فرو رفتن در مرداب دنیا را افزایش داده است.

وضعیت فوق و آثار زیان بار تجملاتی می طلبد که اصلاح الگوی مصرف و ویژگی های ساده زیستی و آثار مثبت آن را بررسی کنیم تا از خطرات دل بستگی تام و تمام به مواهب دنیوی و تجمل گرایی در امان بمانیم.

اصلاح الگوی مصرف و ساده زیستی مورد نظر اسلام عبارت است از : عدم دل بستگی به مظاهر دنیا و رهایی از تجملات و تشریفات زاید زندگی و بی پیرایه بودن که مقابل آن، تجمل گرایی و رفاه زدگی است. ساده زیستی با مفهوم زهد و بی رغبتی، ارتباط تنگاتنگی دارد. استاد مطهری می گوید : «زهد، حالتی است روحی و زاهد از آن نظر که دل بستگی های معنوی و اخروی دارد، به مظاهر مادی زندگی بی اعتناست. این بی اعتنایی و بی توجهی تنها در فکر و اندیشه و احساس قلبی نیست و در مرحله ضمیر پایان نمی یابد. زاهد در زندگی عملی خویش، سادگی و قناعت را پیشه خود می سازد و از تنعم تجمل و لذت گرایی پرهیز می نماید. زاهد جهان آنها هستند که به حداقل تمتع و بهره گیری از مادیات اکتفا کرده اند.»^۱ با این توصیف، مفهوم زهد دو مرحله قلبی و عملی دارد : مرحله قلبی آن، عدم دل بستگی به دنیا، و مرحله عملی آن، اکتفا کردن به حداقل ابزارهای زندگی و ساده زیستی است. پس می توان گفت : ساده زیستی راستین راه را برای تحصیل زهد حقیقی همواره می سازد؛ چنان که در روایتی از امام علی (ع) آمده است : «التَّزَهُدُ يُوَدِّي أَلِي الزَّهْدِ؟ واداشتن خود به زهد و ساده زیستی، منتهی به حالت درونی زهد می گردد.» در جای دیگر می فرماید : «اول الزاهد التَّزَهُدُ؛ نخستین گام زهد، تزَهُد (ساده زیستی) است.» در یک جمله می توان گفت : زهد، مربوط به گرایش باطنی و قلبی انسان به دنیاست و ساده زیستی، ناظر به زندگی فردی و اجتماعی افراد است و نمی توان بدون روحیه ساده زیستی، به زهد رسید. تجمل گرایی، حاکی از دل بستگی به دنیاست که با زهد در تضاد است.

^۱ - سیری در نهج البلاغه، ص ۲۱۴.

^۲ - غرر الحکم و درالکلم، ج ۱، ص ۲۱۹.

^۳ - همان، ج ۲، ص ۳۸۴.

ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف مورد نظر اسلام، ساده زیستی عزت مند و راستین است که برداشت های ناصحیح صوفی گری با آن تطبیق نمی کند. متأسفانه در همه زمان ها، زاهد نماهای صوفی مسلک بوده و هستند که به دلیل عدم شناخت کامل از آموزه های دینی، نعمت ها را بر خود حرام کرده و لباس پشمینه پوشیده و برای خود ظاهری ژولیده، بی نزاکت و ژنده پوش و خشم آلود درست کرده اند.

امامان معصوم (علیهم السلام) همواره در برابر افکار انحرافی این گروه ایستادگی می کردند و با آنها در عمل و گفتار مخالفت می نمودند و روش آنان را انحرافی و باطل می دانستند. امام صادق (ع) در مورد این افراد می فرماید: آنها دشمنان ما هستند. کسی که به آنها مایل گردد، جزء آنان است و با آنها محشور می شود.^۱

ممکن است بعضی افراد از ساده زیستی سوء استفاده کنند و با نیرنگ و فریب، مردم را به گمراهی بکشانند و از این طریق به مقاصد خویش برسند.

سعدی در این باره داستانی نقل کرده است: زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند، کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند، بیش از آن کرد که عادت او بود، تا ظن صلاح در حق او زیادت شود... چون به مقام خویش بازآمد، سفره خواست تا تناولی کند. پسری داشت صاحب فراست، گفت: ای پدر، باری به دعوت سلطان طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید.^۲

شاید بعضی تصور کنند ساده زیستی با آراستگی ظاهری، منافات دارد، در حالی که بین او دو هیچ گونه تضادی وجود ندارد. می توان هم ساده بود و هم آراسته. اسلام بر لزوم آراستگی مسلمانان تأکید کرده است. قرآن مجید می فرماید: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد»^۳؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید». این جمله می تواند شامل پوشیدن لباس های مرتب و پاکیزه، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن باشد. ضمن آن که شامل زینت های معنوی مانند: ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص نیز می گردد.^۴

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش نزد برادران خود می رود، با ظاهری آراسته روبرو شود.^۵ آن حضرت از مردی که موهای ژولیده و لباسی کثیف داشت، انتقاد کرد و فرمود: بهره بردن از نعمت های الهی و نمایاندن نعمت، جزء دین است.^۶

پیامبر اکرم (ص) در عین سادگی و دوری از تجملات دنیوی، پاک و پاکیزه و خوش بو و معطر بود؛ چنان که وقتی از مسیری می گذشت، رهگذرانی که پس از وی از آنجا می گذشتند، از بوی خوش آن حضرت می

^۱ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷.

^۲ - گلستان، باب دوم، ص ۸۸-۸۹.

^۳ - اعراف (۷) آیه ۳۱.

^۴ - تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۸.

^۵ - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

^۶ - کافی، ج ۶، ص ۴۳۹.

فهمیدند که پیامبر از آن جا عبور کرده است.^۱ امام خمینی (ره) که الگوی ساده زیستی در عصر حاضر بود، به ظاهر خویش و تمیزی و زیبایی لباس بها می داد و همواره از عطر استفاده می کرد.

جایگاه ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف در اسلام

از نظر اسلام، ساده زیستی، یک ارزش معنوی است. پیشوایان دین، ساده زیستی و قناعت را ارزشی والا می دانستند و افراد ساده زیست را می ستودند. امیر مؤمنان علی (ع) در مورد «صعصعه بن صوحان» می فرماید: «انک ما علمتُ حَسَنُ المعونَةُ خفیف المؤمنة؛ همان تا آنجا که دانسته ام، یآوری نیکو و کم هزینه ای.»

هم چنین آن حضرت در توصیف «زید بن صوحان» که در جنگ جمل به شهادت رسید، فرمود: خداوند تو را رحمت کند ای زید که به راستی کم هزینه و پر کار بودی.^۲

امام علی (ع) از میان همه کمالات «صعصعه» و «زید» به این ویژگی مهم آنان (کم هزینه و پر کار بودن) اشاره می کند تا جایگاه ارزشی ساده زیستی برای همگان مشخص گردد. در اهمیت این مقوله ارزشمند بس که همه پیامبران الهی از آدم تا خاتم، به آن متصف بوده اند.

ساده زیستی در سیره پیامبران

سادگی و ارائه الگوی درست مصرف و بی پیرایگی فرستادگان الهی، به عنوان اصلی اصیل جلوه ای خاص در رفتار، معاشرت و نشست و برخاست آنان دارد. امام علی (ع) از ساده زیستی پیامبران خدا خبر داده است. آن حضرت می فرماید: موسی (ع) به خدا عرض کرد: پروردگارا! من به آنچه از نیکی به سویم فرستادی نیازمندم، به خدا، موسی جز نانی که آن را بخورد از خدا چیزی نخواست، زیرا وی از سبزی زمین می خورد تا آن جا که به دلیل لاغری تن و تکیدگی گوشت بدن، رنگ آن سبزی از پوست شکم او نمایان بود. و اگر بخواهی از حضرت داوود (ع) بگویم که به دست خود از لیف خرما زنبیل می بافت و از بهای آن، گرده ای نان جوین تهیه می کرد و می خورده و اگر بخواهی از عیسی بن مریم (ع) بگویم که سنگ را بالین خود می کرد و جامه درشت [او خشن] می پوشید و خوراک ناگوار می خورد و خورش او گرسنگی بود و چراغش در شب، ماه و پناه گاهش در زمستان، شرق و غرب زمین بود.^۳

پیامبر اسلام (ص) نمونه کامل ساده زیستی است. امام علی (ع) در توصیف آن حضرت می فرماید: برای تو کافی است که رسول خدا را اطاعت نمایی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و بسیاری خواری و زشتی های آن باشد، چه این دل بستگی های آن از او گرفته شده و برای غیر او گسترده شده است؛ از نوش آن نخورد و از زیورهایش بهره نبرد.^۴

۱- مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، دفتر اول، ص ۳۲۷.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ به نقل از: مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، دفتر اول، ص ۳۳۸.

۳- رجال کشی، ص ۶۷؛ به نقل از: همان.

۴- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه (۱۶۰).

۵- همان.

آن حضرت در ادامه می فرماید: پیامبر (ص) روی زمین غذا می خورد و همچون بندگان می نشست و به دست خود کفشش را پینه می زد و جامه خود را وصله می کرد و بر الاغ بی پالان سوار می شد و دیگری را در کنار خود سوار می کرد.^۱

رسول خدا (ص) از سیره پادشاهان و نوع برخاست و رفت و آمد و تشریفات آنها سخت بیزار بود. مردی نزد پیامبر آمد تا با وی سخن گوید، اما چون پیامبر (ص) را دید، دست پاچه شد و به لرزه افتاد. حضرت به او فرمود: راحت باش، من که پادشاه نیستم. من فرزند همان زنم که گوشت خشکیده می خورد.^۲

امام علی (ع) و ساده زیستی

حضرت علی (ع) و فرزندان، پاسداران سیره نبوی بودند و در ساده زیستی از آن بزرگوار پیروی می کردند. آن حضرت می فرماید: به خدا سوگند، این جامه پشمین خود را آن قدر وصله کرده ام که از وصله کننده آن شرم دارم.^۳

امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش روایت کرده که فرمود: علی (ع) در کوفه به مردم نان و گوشت می خوراند و خود طعامی جداگانه داشت. بعضی گفتند: کاش می دیدیم که خوراک امیر مؤمنان چیست؟ پس عده ای به طور سر زده به حضور امام رسیدند، غذای او چنین بود: تریدی (خرده ای) از نان خشکیده خیسیده به روغن که با خرما فشرده آمیخته شده بود و آن خرما را از مدینه برای وی می آوردند.^۴

ابو اسحاق سبعی می گوید: یک روز جمعه بر دوش پدرم سوار بودم و امام علی (ع) خطبه می خواند. دیدم آن حضرت دست خود را تکان می دهد. گویا با آستین پیراهنش خود را باد می زند، به پدرم گفتم: آیا امیر مؤمنان گرمش است؟ گفت: او گرما و سرما را چیزی به حساب نمی آورد، بلکه پیراهنش را شسته و چون پیراهنی جز آن نداشته، آن را مرطوب به تن کرده است و چنین می کند تا خشک شود.^۵

کدام زمام داری را می توان مانند امام علی (ع) یافت که خوراک و پوشاکش چون ضعیف ترین مردم باشد و از این سیره نیکو تا لحظه وداع از این دنیا دست برندارد.

حضرت زهرا (س) و ساده زیستی

حضرت زهرا (س) نیز شاگرد مدرسه پیامبر (ص) و الگوی ساده زیستی است. وقتی سلمان فارسی چادر کهنه ایشان را دید که با لیف خرما دوازده جای آن وصله شده بود، متعجب گردید و با گریه چنین گفت: دختران قیصر و کسری در سندس و حریرند و دختر محمد (ص) روپوشی کهنه بر تن دارد که دوازده جای آن وصله شده است. آن حضرت گفت: یا رسول الله (ص)! سلمان از لباسم تعجب کرده است، قسم به آن که تو را به حق مبعوث فرمود، پنج سال است که من و علی جز یک پوست گوسفند نداریم که روزها بر روی آن

۱ - همان.

۲ - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

۳ - نهج البلاغه، خطبه (۱۶۰).

۴ - الغارات، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۵ - همان، ص ۹۸ و ۹۹.

به شترمان علف می دهیم و چون شب فرا می رسد آن را فرش می کنیم و بالش ما از پوستی است که درون آن از لیف خرما پوشیده است!^۱

امام زمان (عج) و ساده زیستی

سیره آخرین وصی پیامبر (ص) نیز ساده زیستی است. امام صادق (ع) می فرماید: «فوالله ما لباسه الا الغلیظ و لا طعامه الا الجشب»^۲؛ به خدا سوگند، لباس مهدی (عج) جز پوشاکی درشت و خوراک او جز خوراکی سخت نخواهد بود.»

ساده زیستی و مقتضیات زمان

هر چند ساده زیستی به عنوان اصلی ثابت در زندگی پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) شناخته می شود، اما طبیعی است که این اصل در اوضاع و احوال گوناگون و اعصار مختلف، صورت و شکل مناسب آن زمان را پیدا می کند. بر این اساس، پیشوایان دین با حفظ اصل ساده زیستی، مقتضیات زمان خود را در نظر می گرفتند. این نکته مهمی است که باید در شناخت سیره معصومان مورد توجه قرار گیرد، چرا که در غیر این صورت باعث ایجاد شک و شبهه درباره زندگی آن بزرگواران می گردد. نمونه زیر حاصل عدم شناخت این نکته مهم در زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

اعتراض زاهد نمای صوفی مسلک به امام صادق (ع)

روزی سفیان ثوری که خود از زهد فروش های عصر امام صادق (ع) بود، به نوع لباس آن حضرت اعتراض کرد و گفت: ای پسر رسول خدا (ص)! پیامبر (ص) و علی (ع) چنین لباسی را نپوشیدند که شما به تن کرده اید. حضرت در پاسخ فرمود: رسول خدا (ص) در عصری بود که فقر و تنگدستی همه جا را فرا گرفته بود و آن حضرت مطابق شرایط آن زمان، چنان لباسی می پوشید؛ ولی دنیا بعد از آن عصر، نعمت هایش را در همه جا فرو ریخت. شایسته ترین افراد به بهره مندی از این نعمت ها، نیکان هستند. سپس حضرت این آیه شریفه را خواند که: «قل من حرم زینه الله اخرج لعباده و الطیبات من الرزق»^۳؛ بگو: چه کسی نعمت های زیبای خدا و روزی های پاک را که او برای بندگانش آشکار کرده، حرام نموده است. ای سفیان ثوری! آن چه را که از لباس ظاهر من می بینی برای حفظ آبرو نزد مردم پوشیده ام. سپس حضرت لباس ظاهر خود را بالا زد و لباس زیرین خویش را که زیر و خشن بود، به سفیان نشان داد و فرمود: این لباس خشن را برای نفس خود و آن لباس ظاهر را برای مردم بر تن کرده ام.^۴

آن گاه امام (ع) اعتراض سفیان را به خودش برگرداند که در زیر لباس خشن خویش، جامه ای بس لطیف در بر کرده بود^۵ و بدین طریق، روحیه ریاکارانه و زاهد نمای سفیان را آشکار کرد.

۱ - بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۰۳.

۲ - غیبه النعمانی، ص ۲۳۳.

۳ - اعراف (۷)، آیه ۳۲.

۴ - فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۲.

۵ - همان.

شرایط دوره امام صادق (ع) به گونه ای بود که باید به تناسب آن، نوع پوشش و لباس انتخاب شود. در عین حال اگر شرایط تغییر می کرد و مردم مدینه در سختی قرار می گرفتند، امام صادق (ع) به همان ساده زیستی برمی گشتند. از این رو معتب می گوید: امام صادق (ع) فرمود: چقدر طعام در نزد ماست؟ بیش از چند ماه، حضرت فرمود: همه را بفروش. گفتیم: در مدینه طعام نیست. حضرت فرمود: آن را بفروش. وقتی فروختم، حضرت فرمود: طعام را روز به روز خریداری کن و غذای عیالم را نصفی از گندم و نصفی از جو قرار ده، خدا می داند که می توانم به آنان گندم بدهم، ولی دوست دارم خدا مرا ببیند که در زندگی اعتدال دارم.^۱

فلسفه ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف

ساده زیستی در اسلام، تحمل محرومیت بی منطق نیست، بلکه باید براساس حکم عقل و نقل صورت گیرد. اما چرا اسلام ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف را ارزش می داند و فلسفه آن چیست؟ در این جا به بعضی از موارد آن اشاره می کنیم:

۱ - هم دردی با محرومان

فلسفه ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف هم دردی و شرکت عملی در غم مستمندان است. اگر افراد جامعه به خصوص مدیران و رهبران جامعه زندگی ساده ای را برگزینند، هم درد و رنج محرومان را لمس می کنند و هم با آنان هم دردی کرده اند. از این رو امام علی (ع) می فرماید: اگر می خواستم می توانستم از عسل خالص و مغز گندم و بافته ابریشم برای خود خوراک و پوشاک تهیه کنم، اما هرگز هوا و هوس بر من چیره نخواهد شد و حرص و طمع مرا به گزیدن خوراک ها نخواهد کشید. در حالی که ممکن است در سرزمین «حجاز» یا «یمامه» کسی باشد که حسرت گرفته نانی برد و یا هرگز شکمی سیر نخورد، آیا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته؟ یا چنان باشم که آن شاعر گفته است:

و حسبك داءٌ أن تبيتَ بطنه و حولك أكبادٌ تحنُّ إلى القِدِّ

این درد تو را بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت شکم هایی گرسنه به پشت چسبیده باشد. آیا بدین بسنده کنم که مرا امیر مؤمنان گویند و در ناخوش آیندی های روزگار شریک آن نباشم؟^۲

۲ - ایثار

یکی دیگر از فلسفه های ساده زیستی، ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود است. ایثار از پرشکوه ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و فقط انسان های بسیار بزرگ به این قله شامخ صعود می کنند. ایثارگر از این که نیازمندان را بخوراند و بپوشاند و به آنان آسایش برساند بیش از آن لذت می برد که خود بخورد و بپوشد و استراحت کند.

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر ذلت نفس ذلت نخواهی

نمونه بارز ایثار امام علی (ع) و خاندان پیامبر (ص) در سوره انسان منعکس شده است. آن بزرگواران برای رضای خدا طعام خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند.

۱ - همان، ج ۵، ص ۱۶۶.

۲ - نهج البلاغه، نامه (۴۵).

مشهور است که امیر مؤمنان علی (ع) باغی را که پیامبر (ص) درخت نشانده و با دست خود آب داده بود، به دوازده هزار درهم فروخت و وقتی نزد خانواده اش آمد، از آن هیچ نمانده بود و همه را در راه خدا داده بود. حضرت فاطمه (س) به وی گفت: می دانی چند روز است که ما خوراک نخورده ایم و گرسنگی بر ما چیره گشته است، پس چرا قدری از آن را نگه نداشتی؟ حضرت فرمود: چهره هایی زرد و دردمند را که نمی خواستم ذلت خواهش را در آنها ببینم، مرا بازداشت از این که چیزی از آن را نگه دارم.^۱

ساده زیستی در عصر تکنولوژی جهت اصلاح الگوی مصرف

ممکن است این توهم پیش آید که در این زمانه که عصر تکنولوژی و پیشرفت است، ساده زیستی ممکن نیست و اساساً سخن گفتن از این مقوله، بیهوده و نابجاست. زیرا ماهیت تکنولوژی، زهد و ساده زیستی را بر نمی تابد. حیات تکنولوژی فزون خواهی و گسترش است و همواره در پی تولید و تکثیر می باشد. پس یکی از مقتضیات آن، ترویج مصرف گرایی و ارزش بودن آن است.

در پاسخ باید گفت: تکنولوژی، محصول اندیشه و عمل انسان است، نه پدیده ای خود مختار است و نه می تواند انسان را به دنبال خود بکشد. البته در این که یکی از ویژگی های تکنولوژی، ترویج مصرف گرایی است، تردیدی نیست، اما این خواست انسان است که اگر به دنیا روی آورد، برای خود مصرف های نو می آفریند و در پی ایجاد نیازهای دروغین می افتد، انسان می تواند از فواید تکنولوژی بهره بجوید ولی اسیر آن نباشد.

سخن در بهره مندی از تکنولوژی نیست، بلکه سخن در این است که بهره مندی از آن به چه قیمتی باید تمام شود. تکنولوژی باید در خدمت بشر باشد، نه این که انسان در خدمت تکنولوژی باشد. اگر ساده زیستی نسبی را یک ارزش بدانیم، فرقی میان عصر تکنولوژی و جز آن وجود ندارد. البته باید اذعان کرد که عصر حاضر، ساده زیستی را انتخاب کرد و در عین فعالیت اقتصادی و بهره مندی از مواهب علمی این عصر، اسیر مادیات نشد.

به هر روی، ساده زیستی به معنای گوشه گیری، تنبلی و بی تحرکی نیست تا با تکنولوژی و فعالیت و پیشرفت منافات داشته باشد. امام صادق (ع) می فرماید: «المومن حسن المعونه خفيف المؤنه؟ مؤمن، پرکار و کم خرج است.»

ساده زیستی و فقر

ممکن است این تصور پیش آید که اسلام با تأکید شدید بر ساده زیستی، مروج فقر است، در حالی که به هیچ وجه ساده زیستی به معنای توصیه پذیرش فقر و استضعاف نیست و نظر اسلام، فقر زدایی است، نه فقر زایی. فقر، نداشتن و ناداری است، اما ساده زیستی، نخواستن در عین تمکن می باشد. ساده زیستی، گذشت از سر اقتدار است، اما فقر، گذشت محرومانه است. ساده زیست، دارد و نمی خواهد، اما فقیر، ندارد تا بخواهد.

اسلام نه تنها فقر را نمی ستاید، بلکه آن را به شدت محکوم می کند و از آن بر حذر می دارد، تا جایی که پیامبر اسلام (ص) از فقر به خدا پناه می برد^۲ و آن را از هر مرگی بدتر می داند.

۱ - عده الداعی، ص ۱۲۴.

۲ - الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱.

۳ - مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی، دفتر اول، ص ۳۵۲.

امام علی (ع) می فرماید: پسر! از فقر بر تو بیمناکم، پس از آن به خدا پناه ببر که فقر مایه کاستی دین و سرگردانی عقل است و به دشمنی می انجامد.^۱

ضرورت ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف در رهبران جامعه

گر چه ساده زیستی برای آحاد جامعه، یک ارزش محسوب می شود، اما برای پیشوایان و مدیران جامعه، یک ضرورت است. امام علی (ع) می فرماید: «ان الله تعالى فرض على ائمه العدل ان يقدروا انفسهم بضعفه الناس كيلا يتبغ بالفقير فقره^۲؛ خدای متعال بر پیشوایان دادگر واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا رنج فقر، مستمندی را ناراحت نکند». آن حضرت در جایی دیگر می فرماید: «خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خودم و خوراک و پوشاکم مانند مردمان ناتوان عمل کنم تا این که فقیر به سیره فقیرانه من تاسی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند».^۳

ساده زیستی رهبران و زمامداران و اصلاح الگوی مصرف توسط آنان دو نتیجه مثبت و رعایت نکردن آن، دو خطر بزرگ در پی دارد. تحمل فقر و عدم طغیان ثروتمندان، دو پی آمد مثبت ساده زیستی، و عدم صبر و تحمل محرومان و گستاخی ثروت مندان، دو خطر بزرگ تجمل گرایی رهبران است.

نوشته اند: عالم بزرگ و استاد کل، آیه الله وحید بهبهانی (ره) پسری داشت به نام عبدالحسین که برای همسر خویش لباسی تازه تهیه کرده بود. وقتی ایشان متوجه شد عکس العمل تندی نشان داد و او را از چنین اعمالی منع نمود. پسر در پاسخ وی آیه: «من حرم زينه الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق...» را خواند، استاد از این توجیه ناراحت شد و فرمود: من نیز این آیه را شنیده ام، ولی فقرایی بسیار از همسایگان هستند که به فقر ما تسلی می جویند.^۴

وقتی به امام علی (ع) خبر می رسد که کارگزار او «عثمان بن حنیف» در بصره به مهمانی یکی از ثروتمندان آن شهر رفته که در آن مهمانی، غذاهای رنگارنگ تدارک دیده شده و جای فقرا خالی بوده است، او را سخت سرزنش کرده و به وی گوشزد می کند که گمان نمی کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان به جفا رانده شده اند.^۵

امام خمینی (ره) همواره بر ساده زیستی مسئولان و کارگزاران و روحانیان و اصلاح الگوی مصرف تأکید می نمودند و آنان را از تجمل گرایی بر حذر می داشتند. ایشان در این باره می فرماید: «من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، قصار (۳۱۹).

۲- همان، خطبه (۲۰۹).

۳- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰.

۴- محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص ۲۰۳.

۵- نهج البلاغه، نامه (۴۵).

جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان، بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.^۱

با نگاهی گذرا به زندگی سراسر ساده و بی آرایش امام خمینی (ره) چه در دوران جوانی و چه در اوج مبارزه و تبعید و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می توان به بعد ساده زیستی آن پیر مراد و عارف وارسته و رعایت الگوی درست مصرف پی برد. این امر چنان مشهود بود که «مایک والاس»، گزارشگر تلویزیونی آمریکا بعد از ملاقات و مصاحبه با وی چنین اظهار می دارد: «باید بگویم زندگی بسیار ساده که رهبر انقلاب اسلامی برای خود فراهم کرده بود، او را از همه رهبران دیگر متمایز می کرد.»^۲

نمونه های عملی از زهد و ساده زیستی

سیره عملی معصومین (ع) نیز گواهی بر ساده زیستی و زاهد پیشگی آنهاست. حضرت علی (ع) در نامه ای به حاکم بصره، می فرماید: « بدان که امام شما از دنیای خود به دو جامه ی کهنه و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا کرده است... به خدا سوگند از دنیای شما نه طلا اندوخته و نه از غنیمت های آن مال زیادی ذخیره کرده و غیر از این جامه ی کهنه، جامه ی دیگری آماده نکرده ام... من اگر بخواهم می توانم از غسل مصفی بنوشم و از مغز گندم برای خود نان تهیه کنم و لباس های نرم و لطیف بپوشم ولی هیبهات چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی بهترین خوراک ها بکشاند در صورتی که شاید در سراسر کشور حجاز یا در سرزمین یمامه، افرادی یافت شوند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است، آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم در صورتی که در اطرافم شکم های گرسنه و جگرهای سوزان قرار دارد؟ »^۳

از همین روست که علمای دین که مقتدای خویش را پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) او می دانند و در عمل به دستورات نجات بخش دین، اسوه دیگران بوده اند، الگوی عملی زهد، ساده زیستی و قناعت بوده و با تمام سختی ها و فشارها زندگی خود را در حد ضعیف ترین مردم نگه می داشته و فریادرس محرومان بوده اند. حضرت امام خمینی (ره) در تمام مراحل زندگی، چه زمانی که طلبه ی گمنامی در مدرسه فیضیه بوده اند و چه زمانی که رهبری و مرجعیت شیعیان جهان را بر عهده داشتند، ساده زیستی و اکتفا کردن به حداقل زندگی را منش خویش قرار داده بودند و هیچگاه حاضر نشوند سطح زندگی ایشان، از سطح زندگی عموم مردم بالاتر برود.^۴

یکی از اطرافیان امام می گوید، امام زمانی که در نجف بودند در یک منزل استیجاری که نوساز نبود و از جهت سادگی مثل منازل سایر مردم عادی و طلاب بود سکونت داشتند و وقتی به ایشان گفته شد همانند بقیه بزرگان منزلی در کوفه نزدیک شط فرات برایشان اجاره شود تا در ایام تابستان که هوای نجف گرم و

۱ - صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲.

۲ - اصغر میر شکاری، آیینة حسن، ص ۱۳۱.

۳ - نهج البلاغه، نامه (۴۵).

۴ - سیمای فرزائگان، رضا مختاری، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۴۵۰.

خشک بود به آنجا بروند، ایشان امتناع کردند و فرمودند: من چطور می توانم به کوفه روم در حالی که بسیاری از مردم ایران در زندان به سر می برند.^۱

شیخ انصاری آن مردی که مرجع کل شیعه می شود، آن روزی که می میرد، با آن ساعتی که به صورت یک طلبه ی فقیر دزفولی وارد نجف شده است فرقی نکرده است. وقتی که خانه ی او را نگاه می کنند می بینند مثل فقیرترین مردم زندگی می کند، با این که در هر سال مقدار زیادی وجوهات به دست ایشان می رسید.^۲

زندگی شیخ عباس قمی (ره) نیز بسیار محدود بود، به طوری که از حد زندگی یک اهل علم عادی هم پایین تر بود، لباسش عبارت بود از یک قبای کرباسی. چند سال زمستان و تابستان را با همان قبا می گذرانید، هیچ در فکر لباس و تجمل نبود. فرش خانه اش گلیم بود، از سهم امام استفاده نمی کرد و می گفت من اهلیت استفاده از آن را ندارم.^۳

زمینه های ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف

نهادینه شدن ساده زیستی در جامعه به عنوان یکی از ارزش های اخلاقی، نیاز به فراهم شدن بستر و زمینه مناسب دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از :

۱ - **ساده زیستی و اصلاح مصرف مسئولان جامعه** : یکی از عواملی که در ساده زیستی مردم مؤثر است، بی پیرایه بودن زندگی رهبران و کارگزاران و الگوهای جامعه است. مدل برداری از زندگی کسانی که نقش هدایت و راهنمایی را بر دوش دارند و الگو گیری از آنان، موضوعی است که در آموزه های دینی و روان شناسی مورد توجه قرار گرفته است. از امام علی (ع) نقل شده است که فرمودند : مردم به حاکمان خود شبیه ترند تا به پدرانشان.^۴

آن حضرت با مطرح کردن روش زندگی پیامبر (ص) به عنوان برجسته ترین الگوی تربیتی، مردم را به ساده زیستی دعوت کرده و فرمودند : برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام (ص) را الگو قرار دهی^۵ آن حضرت در جایی دیگر زندگی خود را که نمونه عالی بی رغبتی به دنیا و ساده زیستی است، به عنوان الگو معرفی می کند و می فرماید : بدانید که هر پیروی را امامی است که او را الگوی خود می شناسد و از نور دانشش روشنی می گیرد، بدانید که امام شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنی هایش به دو قرص نان بسنده کرده است.^۶

۱- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی (ره)، رضا شهرباف، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۴، ص ۶۰.

۲- سیمای فرزندگان، ص ۴۵۰.

۳- سیمای فرزندگان، ص ۴۶۷.

۴- بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۱۱.

۵- نهج البلاغه، خطبه (۱۶۰).

۶- همان، نامه (۴۵).

۲ - **دنیا شناسی** : ساده زیستی و الگوی مصرف با نحوه نگرش انسان به دنیا ارتباطی مستقیم دارد. کسی که دنیا را همه چیز و منتهای آمال و آرزوهای خود می پندارد، نمی تواند ساده زیست باشد. در جهت اصلاح همین نگرش است که امام علی (ع) می فرماید : از فرزندان آخرت باشید، نه از فرزندان دنیا.^۱

۳ - **خودشناسی** : یکی از روش هایی که در تقویت ارزش های اخلاقی به ویژه الگوی مصرف و ساده زیستی مؤثر است، توجه دادن انسان به منزلت خویش است. کسی که بداند دنیا ابزاری بیش نیست، هرگز خود را به دنیای پست و زودگذر نمی فروشد و اسیر مظاهر دنیوی نمی شود.

۴ - **فرهنگ سازی** : فطرت انسان ها به سمت و سوی خوبی ها گرایش دارد، پس مهم آن است که اصلاح الگوی مصرف و ساده زیستی به عنوان یک ارزش معرفی گردد. دستگاه های تبلیغاتی به ویژه صدا و سیما با ساخت برنامه های گوناگون می توانند ساده زیستی را در جامعه به عنوان یک فرهنگ ترویج کنند و مردم را به تهاجم فرهنگی دشمن که در جهت دگرگونی ارزش ها قدم بر می دارد، متوجه سازند.

آثار ساده زیستی و مصرف درست

ساده زیستی و مصرف درست آثار فراوانی دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از :

۱- آسودگی

همه اضطراب ها و نگرانی ها از دنیا و مظاهر آن است، که با ساده زیستی می توان آنها را برطرف کرد و به آسودگی دست یافت. امام علی (ع) می فرماید : «الرغبة مفتاح النصب و مُطِيَّة التَّعَبِ»؛ شیفتگی دنیا، کلید دشواری و مرکب گرفتاری است.»

امام صادق (ع) نیز می فرماید : شیفتگی در دنیا، مایه غم و اندوه است و زهد در دنیا، آسایش جسم و جان را در پی دارد.^۱

ممکن است تصور شود که ساده زیستی، ملتزم نوعی ریاضت و به زحمت انداختن جسم است، در حالی که چنین نیست، راحتی و آسایش روحی در زندگی آسان و ساده به دست می آید، امام علی (ع) گنجی را بی نیاز کننده تر از قناعت و مالی را با برکت تر از بسنده کردن به روزی روزانه نمی داند.^۲

زندگی پر هزینه و تجملی است که خاطر انسان را به خود مشغول می کند، زیرا لازمه این زندگی، درآمد بالاست که تحصیل آن، سعی خستگی ناپذیر می خواهد و همین تلاش بی وقفه، استراحت و لذت بردن را از انسان سلب می کند.

از طرفی، خواسته های انسان، محدود و تمام ناشدنی است. از این رو در هیچ مرحله ای از زندگی، رضایت کامل حاصل نمی شود. عدم رضایت از زندگی و قید و بندی که با تجمل و تشریفات پدید آمده، آسودگی را از انسان سلب می کند، از این جهت بعضی برای رهایی از تجملات به هیپی گری رو می آورند.

۱- همان، خطبه (۴۲).

۲- همان، قصار (۳۷۱).

۳ - بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۷۵.

۴- نهج البلاغه، قصار (۳۷۱).

۲ - موفقیت در زندگی

یکی از آثار اصلاح الگوی مصرف و ساده زیستی، کامیابی و توفیق در زندگی است. این سخن نیاز به استدلال ندارد، تجربه نشان داده است که بیشتر مخترعان و مکتشفان و نخبگان جامعه که به بشر خدمت کرده اند، از قشر محروم یا متوسط بوده اند، برای آشنایی بیشتر با چنین انسان هایی، یک نمونه را ذکر می کنیم :

مرحوم علامه شیخ محمد حسن نجفی، معروف به صاحب جواهر از علمای مشهور و به نام نجف است که کتاب گران سنگ «جواهر الکلام» وی، عظیم ترین کتاب فقهی و دایره المعارف فقه شیعه و ثمره ۲۶ سال کار مداوم او به حساب می آید، امام خمینی (ره) درباره ایشان می فرماید : «صاحب جواهر چنان کتابی نوشته است که اگر صد نفر بخواهند بنویسند شاید از عهده [اش] بر نیاید و این یک کاخ نشین نبوده است ... یک منزل محقر داشتند، از یک آدمی که علاقه به شکم، شهوات، مال و منال و جاه و امثال اینها دارد، این کارها بر نمی آید. طبع قضیه این است که نتواند.»^۱

۳ - سرمایه گذاری

مصرف درست و ساده زیستی یک نوع سرمایه گذاری است. با توجه به زندگی محدود و نیازهای گوناگون بشر باید انسان برای نیازهای ماندگار خود، سرمایه گذاری کند. در سیر الی الله که هدف نهایی، خلقت انسان است، بهترین زاد و توشه، سبک بالی است. چون هر چه آدمی خود را وابسته کند از طی طریق باز می ماند. امام علی (ع) می فرماید : «تَخَفُّوا تَلْحَقُوا؛ سبک بار شوید تا زودتر برسید.»

همان طوری که کوه نورد برای رسیدن به قله کوه و صعودی آسان و موفق، از حمل بار اضافی پرهیز می کند و می داند هرچه بر بار خود بیفزاید، احتمال رسیدن او به قله کاهش می یابد، شخصی که خود را در این جهان پهناور چون مسافری می بیند که سفری طولانی در پیش دارد، سعی می کند زندگی ساده و بی آلاچی داشته باشد تا از آن هدف باز نماند. او می داند برای پیمودن راه درازی که در پیش دارد، باید امکانات و سرمایه لازم را فراهم کند و عاقلانه تر آن است که چیزی را برگزیند که کم وزن تر و پرجار تر باشد و این کاری است که هر انسان عاقل و دور اندیشی انجام می دهد.

۴ - قدرت

امام علی (ع) راز قدرت مندی و تصمیم و اراده پیامبران را در ساده زیستی و بی پیرایگی آنان می داند و می فرماید : لکن خدای سبحان، فرستادگان خود را در اراده و تصمیم هایشان نیرومند و توانا گردانید و در حالاتشان که به چشم دیگران می آید، ضعیف و ناتوان قرارشان داد. با قناعتی که دل ها و چشم ها را از بی نیازی پر می کرد و با تنگ دستی و فقری که چشم ها و گوش ها را از رنج پر می نمود.^۲

استاد مطهری می گوید : یک کسی با «داشتن»، می خواهد چشم ها را پر کند و یک کسی با «ندارم ولی بی نیازم و اعتنا ندارم» چشم ها را پر می کند. پیامبران در نهایت سادگی بودند، ولی همان سادگی، آن جلال و جبروت ها و حشمت ها را خرد می کرد.^۳

۱ - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۷۱.

۲ - نهج البلاغه، خطبه (۲۱).

۳ - همان، خطبه (۱۹۲).

۴ - سیری در سیره نبوی، ص ۱۰۷، با اندکی تغییر

حضرت موسی (ع) در سایه همین روحیه قناعت و ساده زیستی به این قدرت روحی دست یافت که با آن لباس پشمی و عصای چوبی در مقابل فرعون می ایستد که ادعای خدایی دارد و با صلابت با او سخن می گوید. امام علی (ع) می فرماید : موسی با برادرش هارون بر فرعون وارد شدند در حالی که لباس های پشمین بر تن داشتند و در دست هر کدام عصایی بود. با او شرط کردند که اگر تسلیم فرمان پروردگار شوی، حکومت تو باقی می ماند و عزت و قدرتت دوام می یابد.^۱

ساده زیستی به انسان چنان قدرتی می دهد که در هر عرصه ای می تواند دست به کارهای سترگ بزند. امام خمینی (ره) در این باره می گوید : «اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکنند، خود را به ساده زیستی عادت دهید.»^۲

امام راحل (ره) با اشاره به زندگی عالمان بزرگی چون صاحب جواهر و شیخ انصاری، زهد را عامل اقتدار آنان معرفی می کند^۳ و درباره مرحوم مدرس می فرماید : «یک سید خشکیده لاغر با لباس کرباسی، در مقابل آن قلدری که هر کس آن وقت را ادراک کرده، می داند که زمان رضا شاه غیر آزا زمان محمد رضا شاه بود. در مقابل او همچو ایستاد ... یک وقت رضا شاه به او گفته بود : سید چه از جان من می خواهی؟ گفته بود که می خواهم تو نباشی. وقتی که رضا شاه ریخت به مجلس، فریاد می زدند که زنده باد کذا. مدرس رفت ایستاد و گفت که مرده باد کذا، زنده باد خودم. شما نمی دانید در مقابل او ایستادن یعنی چه و او ایستاد. این برای این بود که از هواهای نفسانی آزاد بود، وارسته بود و وابسته نبود.»^۴

۵ - آزادی

شهید مطهری در مورد ساده زیستی رهبران الهی می گوید : «افرادی را می بینید که در دنیا ساده زندگی می کنند، بدون این که لذت های خدا را بر خودشان حرام کرده باشند و بدون این که از کارهای زندگی دست بکشند. اینها در متن زندگی واقع هستند ولی دلشان می خواهد ساده زندگی کنند. چرا؟ می گوید برای این که من نمی خواهم آزادی ای را به چیزی بفروشم، به هر اندازه خودم را به اشیا مقید کنم، اسیر آنها هستم و وقتی اسیر اشیا باشم، مثل کسی هستم که هزار بند به او بسته است. چنین آدمی نمی تواند راه برود و سبک بار و سبک بال باشد و لهذا زندگی پیامبران عظام و رهبران بزرگ اجتماع، همواره زندگی ساده ای بوده، زیرا اگر زندگی پر تجمل می داشتند دیگر از رهبری می بایست دست می کشیدند. زندگی پر تجمل با رهبری که لازمه آن سبک باری و سبک بالی و جنبش زیاد و آزادی و آزادی است، نمی سازد.»^۵

« شاعری می گوید :

در شط حادثات برون آی از لباس کاول برهنگی است که شرط شناور است^۶

۱ - نهج البلاغه، خطبه (۱۹۲).

۲ - صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۱.

۳ - همان، ج ۱۷، ص ۳۷۴.

۴ - همان، ج ۱۶، ص ۴۵۳.

۵ - حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، ص ۱۶۳.

۶ - مجله معارف اسلامی، شماره ۶۷، بهار ۸۶، ص ۶۵.

یعنی اگر می‌خواهی در دریای حوادث فرو بروی، اول شرطش این است که خودت را لخت کنی. این معنا کنایه از عدم گرایش به زندگی تجملی و وابستگی‌های دنیوی است.

نیاز و وابستگی به دنیا، انسان را برده و مطیع خود می‌سازد، زیرا قیدها و بندها و تعلقات مادی و تجمل‌گرایی، آزادی عمل را می‌گیرد. امام علی (ع) می‌فرماید: دنیا گذرگاه است نه ایستگاه. مردم در این دنیا دو دسته‌اند: برخی خود را می‌فروشند و برده دنیا می‌شوند و خود را تباه می‌سازند و برخی خویشتن را می‌خرند و آن را آزاد می‌کنند.^۱

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
مگر تعلق خاطر به ماه رخساری که خاطر از همه عالم به مهر او شاد است

استاد مطهری (ره) دل بستگی نداشتن به دنیا را شرط لازم برای آزادی می‌داند، اما می‌گوید: این شرط کافی نیست. عادت به حداقل برداشت از نعمت‌ها و پرهیز از عادت به برداشت زیاد، شرط دیگر آزادی است.^۲

آثار تجمل‌گرایی و عدم رعایت الگوی مصرف

۱- گسترش فساد: با گرایش به زندگی تجملی، هزینه‌های مصرف بالا می‌رود و طبیعی است که راه‌های مشروع، کفایت نمی‌کند. لذا مردم برای دست‌یابی به خواسته‌های روزافزون خود، از شیوه‌های نامشروع مانند: چاپلوسی، رانت‌خواری، ربا و ... بهره می‌جویند.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «این خوی کاخ‌نشینی اسباب این می‌شود که انحطاط اخلاقی پیدا شود. اکثر این خوی‌های فاسد، از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است.»^۳

پیامبر اکرم (ص) در گفت و گو با ابوذر از این نوع گرایش ابراز نگرانی کرده و می‌فرماید: به زودی مردمی از امت من خواهند بود که در دامن نعمت‌ها تولد می‌یابند، همتشان غذاها و نوشیدنی‌های گوناگون و رنگارنگ است و مورد ستایش نیز قرار می‌گیرند. ایشان بدترین افراد امت من هستند.^۴

ابن خلدون، متفکر و جامعه‌شناس مسلمان، تجمل و رفاه زدگی را دشمن شهرنشینی می‌داند و می‌گوید: «تجمل‌خواهی و نازپروردگی برای مردم، تباهی‌آور است، چه در نهاد آدمی انواع بدی‌ها و فرومایگی‌ها و عادات زشت، پدید می‌آورد و خصال نیکی را نشانه و راهنمای کشورداری است، از میان می‌برد و انسان را به خصال مناقض متصف می‌کند.»^۵

۲- سقوط و نابودی: قرآن کریم، خوش‌گذرانی را عامل سقوط می‌شمارد و می‌فرماید: «و کم اهلکنا من قریه بطرت معیشتها؛ چه بسیار قریه‌ها را از میان بردیم که از زندگی خود گرفتار سرمستی بودند.»

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۹۳.

۲- سیری در نهج البلاغه، ص ۲۳۴.

۳- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

۴- الحیاه، ج ۳، ص ۲۸۸.

۵- مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۶۸.

۶- قصص (۲۸) آیه ۵۸.

در آیه ای دیگر، خداوند متعال اتراف و ترفه را باعث سقوط و نابودی شمرده است: «واذ اردنا ان نهلك قريه امرنا مترفيا ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرنا تدميرا^۱؛ و چون اراده کردیم که جمعیت و دیاری را نابود کنیم، توان گران خوش گذران را وادار به فساد می کنیم و وقتی به فسق پرداختند سزاوار عذاب می شوند. آن گاه آن جا را زیرو رو می کنیم و نابودشان می سازیم.»

این آیه به یکی از سنت های قطعی پروردگار درباره هلاکت مردم و ارتباط آن با رفاه زدگی و تجمل گرایان اشاره دارد.

همیشه اشراف و مرفهان بی درد، نخستین کسانی بوده اند که با پیامبران و منادیان عدالت، مخالفت کرده اند. قرآن مجید می فرماید: «و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون^۲؛ ما به هیچ جمعیت و دیاری پیامبری نفرستادیم، مگر آن که اشراف و خوش گذرانان آن جامعه گفتند: ما به آنچه شما مأمور شده اید، کافریم.»

ابن خلدون می گوید: «به هر اندازه (ملتی) بیشتر در ناز و نعمت فرو روند، به همان میزان به نابودی نزدیک تر می شوند.»^۳

۳ - انحطاط اخلاقی: امام علی (ع) از رفاه زدگی به «سُکر نعمت» یعنی مستی ناشی از تجمل و رفاه، یاد می کند که متأسفانه پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، امت اسلامی به آن مبتلا شدند. آن حضرت می فرماید: «ثم انکم معشر العرب اغراض بلایا اقتربت، فانقوا سكرات النعمه و احذروا بوائق النقمه^۴؛ شما مردم عرب، هدف مصایبی هستید که نزدیک است. همانا از مستی های نعمت بترسید و از بلاهای انتقام بهراسید.» در این شرایط است که امام (ع) می فرماید: در زمانی هستید که خیر همواره واپس می رود و شر به پیش می آید و شیطان هر لحظه بیشتر به شما طمع می بندد. آیا جز این است که یا نیازمندی می بینی که با فقر خود دست و پنجه نرم می کند و یا توان گری کافر نعمت یا کسی که امساک حق خدا را وسیله ثروت اندوزی قرار داده است و یا سرکشی که گوشش به اندرز بده کار نیست. کجایند نیکان و شایستگان شما؟ کجایند آزاد مردان و جوان مردان شما؟ کجایند پارسایان شما در کار و کسب؟^۵

استاد مطهری می گوید: آری، سرازیر شدن نعمت های بی حساب به سوی جهان اسلام و تقسیم غیر عادلانه ثروت و تبعیض های ناروا، جامعه اسلامی را دچار بیماری مزمن، دنیا زدگی و رفاه زدگی کرد.^۶

امام خمینی (ره) معتقد بود گرایش به تجمل گرایی به تدریج صورت می گیرد و در درون آدمی رسوخ می کند و اخلاق را تغییر می دهد. ایشان در این باره می فرماید: «این طور نیست که انسان خیال کند که شیطان ابتدا می آید به آدم بگوید که بیا و برو طاغوتی شو؛ این را نمی گوید. قدم به قدم انسان را پیش می برد، و جب به جب انسان را پیش می برد. امروز این که اشکالی ندارد. اگر جلوییش را گرفتید، طمعش بریده

۱ - اسراء (۱۷) آیه ۱۶.

۲ - سبا (۳۴) آیه ۳۱.

۳ - مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۶۸.

۴ - نهج البلاغه، خطبه (۱۵۱).

۵ - همان، خطبه (۱۲۹).

۶ - سیری در نهج البلاغه، ص ۲۶۲.

می شود و اگر جلوییش را نگرفتید، فردا یک قدم دیگر جلو می رود. یک وقت می بینید که این طلبه زاهد عابد که در مدرسه زندگی می کرد متحول شد به یک نفر انسان طاغوتی.»^۱

بنابر فرمایش امام (ره)، از ابتدا باید جلو نفس و خواهش های آن ایستاد. ایشان به صراحت می فرماید : «با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی توان ارزش های انسانی- اسلامی را حفظ کرد.»^۲

۴- اسراف : بسیاری از مخارج و مصارف، براساس میل ها و نیازهای واقعی صورت نمی گیرد. یکی از نتایج دوری از ساده زیستی و تجمل گرایی، ابتلا به اسراف و زیاده روی است و دلیلش عادات ناپسند، چشم و هم چشمی ها و تقلید کورکورانه از فرهنگ بیگانه و ... می باشد، و این همان چیزی است که اسلام آن را حرام کرده است. قرآن مجید می فرماید : بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.^۳ در جای دیگر، اسراف کنندگان را از اصحاب آتش دانسته است.^۴

بدیهی است که با ساده زیستی و قناعت و اصلاح الگوی مصرف می توان از اسراف و ریخت و پاش های بیهوده و خرج های اضافی جلوگیری کرد و نیازمندان را از فقر و نداری نجات داد. اسراف علاوه بر ضربه زدن به نظام اقتصادی جامعه، خسارت بزرگ معنوی محسوب می شود. رسول اکرم (ص) می فرماید : آن که بخورد و بیوشد و سوار شود از روی لذت و اشتیهای نفسانی، خداوند بر او نظر نمی افکند تا جان دهد یا ترک نماید.^۵

۵- کم رنگ شدن ارزش ها و سنت ها : یکی از آثار تجمل گرایی و عدم رعایت الگوی مصرف در جامعه، متروک شدن سنت های الهی و آداب اسلامی است. وجود تشریفات زاید و رسوم و آداب گوناگون باعث شده است ازدواج که سنت پیامبر اعظم (س) است و موجب آرامش خانواده و سلامت روح و روان افراد و عفت عمومی در جامعه می شود، به تأخیر افتد و جوانان عزیز در وقت مناسب نتوانند تشکیل خانواده دهند، در حالی که با حذف تشریفات و رو آوردن به ساده زیستی که اسلام به ویژه در امر مهم ازدواج، خواهان آن است، می توان اسباب ازدواج بسیاری از جوانان را فراهم کرد.

نمونه دیگر از آثار تجمل گرایی، کم رنگ شدن روابط عاطفی و دید و بازدید و صلح رحم و اکتفا به ارتباط از راه دور و روابط سرد و خاموش از طریق تلفن یا نامه یا اینترنت و ... می باشد. بدیهی است علاوه بر مشغله های روزمره، مهم ترین عامل این اثر را باید در تجمل گرایی و عدم رعایت الگوی مصرف و به تکلف افتادن خانواده ها جست و جو کرد.

۱- صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۴.

۲- امام خمینی، کلمات قصار، ص ۷۳.

۳- انعام (۶) آیه ۱۴۱.

۴- غافر (۴۰) آیه ۴۳.

۵- الحیاه، ج ۴، ص ۲۰۵.

جمع بندی و نتیجه :

در مورد زندگانی پیامبر نقل شده است که :

کان رسول الله خفیف المونه: پیامبر اکرم (ص) زندگی ساده و کم خرجی داشت.^۱
امام علی (ع) می فرماید: پیامبر اکرم (ص) به کمترین مقدار از نعمتهای دنیا قناعت می کرد. کم می خورد و کم می نوشید و جامعه ای بسیار ساده می پوشید: زندگی او در خانه بی تکلف و آکنده از عشق و صلح و محبت خانوادگی بود. از غذایی که به آن رغبت نمی کرد عیب جویی نمی نمود. روی زمین می نشستند و با بینوایان غذا می خوردند.^۲

امام رضا(ع) می فرماید: اگر قائم ما خروج کند، خوراکش جز غذایی ساده و مقداری شیر نخواهد بود و لباسش خشن و غیر لطیف خواهد بود.^۳

اصولاً تجربه تاریخی و دینی نشان داده است که رمز موفقیت و تعالی روحی و معنوی انسان های بزرگ، زهد پیشگی آنان و محصور نبودن در تعلقات پرزرق و برق مادی بوده است، چرا که دلبستگی به ماده و مادیات و عدم رعایت الگوی مصرف، همچون سدی آهنین، مانع عروج معنوی انسان به سوی حق تعالی می گردد.

ساده زیستی اصلی بنیادین در آموزه های دینی است که متأسفانه در عصر جدید رو به فراموشی می رود. ساده زیستی به معنای زندگی زاهدانه و فقیرانه نیست، بلکه ساده زیست درست و در حد نیاز مصرف می کند و گوهر گرانبدر عمر راه در تجمل گرایی و اسراف صرف نمی کند.

اسلام اصل اندازه داری و میانه روی را به عنوان یکی از مهمترین مفاهیم اقتصادی مطرح می کند، چنان که در قرآن کریم می فرماید : «بندگان خداوند رحمان کسانی اند که در خرج کردن برای هر چیز، نه اسراف می کنند و نه (بر نان خوران خویش) تنگ می گیرند، و با میانه روی (به زندگی خویش) قوام می بخشند.»^۴

در روایتی امام علی (ع) می فرمایند : «اندازه نگاه داشتن نیمی از معیشت است.»^۵
ستیغ بلند تربیت سازنده اسلامی، استوار سازی اصل نظم و اعتدال در مصرف است، زیرا برنامه ریزی حاکم بر زندگی افراد، هر گاه بر شالوده میانه روی و مراعات حدود باشد، و در جهت «قوامیت مال» قرار داشته باشد، باعث رفاه فرد، و بی نیازی و امنیت اقتصادی اجتماع خواهد شد؛ و هرگاه برنامه ریزی ها بر خلاف آنچه ذکر شده باشد، موجب سقوط مالی افراد می شود.

شکل راستین اندازه داری در زندگی و مصرف این است که زندگی اشرافی و اسرافی به زندگی ساده بدل شود، و اندازه داری و انضباط بر همه موارد مصرف حاکم باشد، تا مصرف کردن و بهره مند شدن از مواهب و

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۷

۲- بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۷

۳- بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۲۷۰

۴- سوره فرقان، آیه ۶۷.

۵- حرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰.

امکانات موجود با واقعیت زندگی فطری انسان هماهنگ گردد. این هماهنگی برای فرد و جامعه، جز از راه اندازه داری و میانه روی و زندگانی ساده، شدنی نیست.

نگاهی گذرا به آموزه های دینی میبین آن است که اصلاح الگوی مصرف در پرتو فرهنگ ساده زیستی معنا می یابد و تا زمانی که مردم دست از زندگانی تجملی و رقابتی بر ندارند، اصلاح الگوی مصرف تحقق نخواهد یافت. به امید تحقق یافتن فرهنگ ساده زیستی در تمامی شوون زندگانی.

ارائه پیشنهادات کاربردی :

جهت اصلاح الگوی مصرف و ترویج فرهنگ ساده زیستی پیشنهاداتی ارائه می گردد :

۱. اقتدا و تأسی به قرآن کریم و تعمق در مضامین متعالی آن رمز نخست در داشتن جامعه ای ساده زیست و رعایت الگوی صحیح مصرف در تمامی ابعاد آن به شمار می رود.

۲. زندگینامه و اندیشه های انسان های متعالی و ساده زیست جهت الگو گیری سایر اقشار در جامعه اشاعه گردد.

۳. در کتب درسی دانش آموزان و دانشجویان اصلاح الگوی مصرف و ساده زیستی آموزش داده شود.

۴. برگزاری کارگاه ها و هم اندیشی ها در زمینه ترویج فرهنگ ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف ضروری به نظر می رسد.

۵. روزنامه ها، مجله ها، صدا و سیما و تمامی ابزارهای فرهنگی در جهت اصلاح الگوی صحیح مصرف و ساده زیستی برنامه ریزی نمایند.

۶. تعمق و تدبر و بهره گیری در زندگانی پیامبران، ائمه و اولیای دین درس های ساده زیستی و ارائه الگوی صحیح مصرف را به همگان آموزش می دهد.

۷. اصلاح الگوی صحیح مصرف در شهرها و روستاها در قالب شعارها و جملاتی کوتاه در مکان های پرتردد، جهت نهادینه شدن این فرهنگ ترویج گردد.

۸. خانواده ها با برنامه ریزی صحیح و شایسته، ساده زیستی و اصلاح الگوی مصرف را می توانند در فرزندان نهادینه نمایند.

۹. از نظرات اندیشمندان و متفکران جامعه جهت اصلاح الگوی مصرف بهره گرفته شود.

۱۰. از کتب و آثار نوشتاری که در قلمرو اصلاح الگوی مصرف و بسط فرهنگ ساده زیستی تولید می شوند، حمایت گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و در الکلم، ترجمه محمد علی انصاری، بی جا، بی تا.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.
۵. ابن اثیر، محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت دار بیروت و دار صار، ۱۳۸۵ هـ.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ هـ.
۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۰ هـ.
۸. جعفری، یعقوب، بینش تاریخی قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۹. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۰. حرانی، علی ابن الحسین ابن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۰.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۹ هـ.
۱۲. خمینی، امام، صحیفه ثنور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۳. خمینی، امام، کلمات قصار (پندها و حکمت ها) تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۱۴. صدوق، شیخ، علل الشرایع، قم، انتشارات داوری، بی تا.
۱۵. رازی، ابوالفتح، روض الجنان روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۱۶. رازی، فخر الدین، تفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، الطبعة الثالثة.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. طبرسی، ابو علی فضل بن حسین، مجمع البیان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ هـ.
۱۹. طوسی، شیخ، کتاب الغیبه، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۲۰. عاملی، محمد بن الحسن الحر، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ، الطبقة الخامسة.
۲۱. فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
۲۲. قطب، سید، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۰۲ هـ. الطبقة العاشره.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، چاپ پنجم.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳، الطبقة الثالثة.
۲۵. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۲۶. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
۲۷. مطهری، مرتضی، نبرد حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۲۸. نصری، عبدالله، مبانی رسالت انبیاء در قرآن، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
۲۹. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.